

Journal of Resistance Literature
 Faculty of Literature and Humanities
 Shahid Bahonar University of Kerman
 Year , No , Autumn and Winter -

The Archetypal Reflections of Resistance Literature in Simin Daneshvar's Works

Fariba Raeisi sarhadi
 Hossein Khosravi
 Mohammadali Atashsoda^{*}

Abstract

Simin daneshvar has a prominent place in Persian fictional literature. The way of the Application of resistance literature in the stories and novels of this female author and their analysis based on archetypal themes can be a subject of an academic study. On the other hand, Daneshvar s fictional works have never been analyzed from this perspective. after sampling, the analytical foundations of the research were based on the ideas of Carl Gustave Jung due to his position in depths psychology. Since the subject of this research is interdisciplinary (literature and psychology), before starting the discussion, her life and her works of fiction and Jung s viewpoints were explained as much as necessary to help understand the concepts. The findings of the study reflected the author s dedication to resistance literature with archetypal backgrounds and its special application in the novel 'Sovashun' and revealed that this novel was based on resistance literature.

Keywords: Resistance Literature, Simin Daneshvar s works, Jung, Archetypes

. PhD student of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University.

. Associate Professor of Persian Language and Literature Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University (Corresponding Author), Email: hosainkosravi@yahoo.com

. Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Fasa Branch, Islamic Azad University.

Date Received: . . .

Date Accepted: . . .

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

جلوه‌های کهن‌الگویی ادبیات پایداری در آثار سیمین دانشور

(علمی-پژوهشی)

فریبا رئیسی سرحدی^۱

حسین خسروی^۲

محمد علی آتش سودا^۳

سیمین دانشور در ادبیات داستانی ایران جایگاه ارجمندی دارد. او در آثارش به عموم گونه‌های ادبیات پرداخته است. چگونگی کاربست گونه ادبیات پایداری در داستان‌های این بانوی نویسنده و تحلیل آنها بر اساس جستارهای کهن‌الگویی، ظرفیت موضوعی یک پژوهش دانشگاهی را دارد؛ از طرفی تاکنون آثار داستانی دانشور، از این منظر مورد واکاوی قرار نگرفته است. با توجه به جایگاه کارل گوستاو یونگ در روانشناسی اعماق، پس از نمونه‌یابی، مبانی تحلیلی تحقیق بر پایه آرای این روانشناس استوار گردید. چون موضوع پژوهش، بینارشته‌ای (ادبیات و روانشناسی) است، پیش از ورود به بحث به قدر ضرورت، زندگی و آثار داستانی دانشور و نظریات یونگ تبیین گردید تا به درک مفاهیم کمک کند. یافته‌های پژوهش، اعتمادمندی نویسنده به ادبیات پایداری با زمینه‌های کهن‌الگویی و کاربست ویژه آن را در رمان سووشون آشکار می‌نماید و مشخص می‌کند که بن‌مایه این رمان بر پایه ادبیات پایداری است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، آثار سیمین دانشور، یونگ، کهن‌الگوها.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد.

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد (نویسنده مسئول مقاله: hosainkosravi۱۲۲۲@yahoo.com)

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷-۰۲-۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶-۱۱-۰۲

۱- مقدمه

به گونه‌ای از ادبیات که به استبداد، اختناق، دفاع از آزادی و حقوق فردی و اجتماعی، ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی، مبارزه با مظالم، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی حاکمان، نفی چپاول سرمایه‌های مردم، جلوگیری از گسترش ضد مردمی نهاد قدرت، پایداری در برابر تهاجم به سرزمین و مقاومت در برابر هر نوع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی می‌پردازد و آنها را برجسته و توصیف می‌کند و به حقوق مدنی انسان‌ها امعان نظر دارد، ادبیات پایداری می‌گویند.

ایران کشوری است که طعم تلخ خودکامگی‌ها، استبداد لجام‌گسیخته داخلی و تحمیلی از جانب بیگانگان، نقض حقوق فردی و جمعی، آزادی‌ستیزی، جنگ و تهاجم از سوی اجانب را به دفعات چشیده و زمینه‌های بروز و ظهور این گونه ادبیات را در همه ابعاد دارد.

تاریخ معاصر ایران، مملو از این چالش‌هاست. واقعه تحریم تنباکو، به توپ بستن مجلس به امر محمدعلی شاه و به وسیله ژنرال لیاخوف روس، ملی شدن نفت، قیام ۳۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب اسلامی و حوادث پس از آن، تهاجم روسیه تزاری و انگلیس، اشغال ایران به وسیله بیگانگان و رنجی که ذهن تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان از حضور روان‌پریش اجانب، به ویژه طی دو قرن گذشته از تلخی سیطره قدرت و ظهور و حضور دو بیگانه محنت‌زا به نام روس و انگلیس با خود یدک می‌کشید و اشغال میهن از سوی انگلیس که در شهریور ۱۳۲۰ نمود عینی یافت و ده‌ها واقعه ریز و درشت از این دست، هر کدام به تنهایی ظرفیت و قابلیت پدیدار شدن ادبیات پایداری را داشت.

سیمین دانشور که در جنگ جهانی دوم و هنگام تهاجم بیگانگان به ایران، حدود بیست سال دارد و برخی وقایع برایش ملموس است، در قامت یک وقایع‌نگار، اما به صورت غیرمستقیم، حافظه‌پردازی می‌کند و تجربه کنجکاو‌های و تلخکامی‌های مردم ایران را از این حضور جانگزا به فضای داستان می‌آورد. او در شماری از آثار خود با رویکرد به ادبیات پایداری،

آزادی خواهی، حقوق مردم در برابر حاکمیت، نفی ستم و ضرورت مبارزه برای تغییر وضعیت را در کانون توجه قرار داده است.

پژوهش حاضر، بنا بر اهمیت و ویژگی‌های پیش‌گفت و بر پایه ضرورت‌های واکاوی ادبیات پایداری از منظر کهن‌الگویی، با رویکرد به روانشناسی اعماق (نوعی روانشناسی که به کلیه عوامل دخیل در تکوین شخصیت انسان می‌پردازد) (مورنو، ۱۳۹۳: ۱) و با تکیه و تأکید بر نظریات کارل گوستاو یونگ (روانشناس نامدار سوئسی)، به روش پژوهش کتابخانه‌ای و توصیفی، مهم‌ترین رمان این بانوی نامدار را مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهد و در خلال بحث به قدر ضرور، به تشریح برخی مفاهیم و اصطلاحات مربوط به موضوع تحقیق می‌پردازد. در ساختار بندی کار، نخست به نمونه‌یابی، دسته‌بندی و چگونگی کار بست کهن‌الگوهای مهم پرداختیم؛ سپس ارزیابی و تحلیل نهایی صورت گرفت.

۱-۱- بیان مسئله

ادبیات پایداری، گونه‌ای از ادبیات است که به ناآزادی‌ها، استبداد، اختناق، دفاع از آزادی فردی و اجتماعی، ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی، مبارزه با مظلوم و پایگاه‌های قدرت، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی حاکمان، ضرورت مقاومت در برابر گسترش ضد مردمی نهاد قدرت و تهاجم به سرزمین و جلوگیری از سرمایه‌های ملی و فردی می‌پردازد و بایستگی‌های مقاومت در برابر بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را برجسته، توصیف و مهیج می‌کند و به آن امعان نظر دارد. ناگفته پیداست که میهن رنج کشیده‌مان ایران، به دفعات طعم تلخ این مقوله‌ها را چشیده و زمینه‌های بروز و ظهور این گونه ادبیات را در همه ابعاد دارد.

در چنین هنگامه‌هایی، نویسندگان و روشنفکران، رسالت‌مندی‌های نوع‌دوستی و علاقه و عشق به میهن را در قالب شعر و داستان کاربردی می‌سازند. سیمین دانشور که یکی از

چهره‌های شاخص ادبیات داستانی ایران و بانویی آزادی‌خواه و میهن‌پرست است، قاعدتاً باید در آثارش به این گونه ادبیات اهتمام کرده باشد؛ از طرفی روانشناسی اعماق، کنش‌های فردی و جمعی را متأثر از کهن‌الگوها یا سنخ‌های باستانی می‌داند. اینکه سیمین دانشور به‌عنوان برجسته‌ترین بانوی داستان‌نویسی ایران از منظر کهن‌الگویی چه رویکردی و چه نوع پردازشی به ادبیات پایداری داشته، مسئله این پژوهش و «سؤال اصلی تحقیق» است. برای این مهم، مشهورترین اثر او رمان «سووشون» را که بیشترین برگردان به زبان‌های بیگانه را داشته، به‌عنوان شاخص آثار او و نظریات کارل گوستاو یونگ را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص نظریات روانشناسی اعماق در نظر گرفته‌ایم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت نقش دانشور در داستان مدرن، پژوهش‌های بسیاری درباره آثار وی انجام گرفته‌است؛ از جمله «درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن سیمین دانشور» از جواد اسحاقیان، «جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور» از هوشنگ گلشیری و «بر ساحل جزیره سرگردانی» جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور از علی دهباشی. چند پایان‌نامه نیز درباره آثار او نوشته شده‌است: «نقد و تحلیل آثار داستانی سیمین دانشور» از سمیرامیس ابراهیمی و «شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار سیمین دانشور و احمد محمود» از فاطمه جعفری او جایی؛ همچنین تعدادی مقاله درباره هنر داستان‌نویسی سیمین دانشور نوشته شده‌است: «تحلیل درون‌مایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان اجتماعی» از حسین‌علی قبادی و «نقدی بر سووشون سیمین دانشور» از سعید قهرمانی. مقاله اخیر با طرح موضوعی تازه به نشانه‌شناسی مضمون مرگ و زندگی در مشهورترین رمان دانشور می‌پردازد. مقاله «صور مثالی آنیموس یونگ در رمان سووشون» نوشته محمدرضا کمالی بانیانی و نرجس توحیدی فر مندرج در فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۲، به جنبه‌های کهن‌الگویی پرداخته؛ همچنین

در مقاله «بررسی کهن‌الگو گرایانه «درخت» در رمان «سووشون» از سعید کریمی قره‌بابا و مختار رضایی که در فصلنامه مطالعات داستانی پیام نور به چاپ رسیده با بهره‌گیری از آرکی‌تایپ درخت، مفهوم زندگی، باروری، امیدواری، استقامت و غیره بررسی شده‌است؛ اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده، آثار دانشور در حیطه ادبیات پایداری مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

جایگاه زنان نویسنده و نقش مؤثری که برای دفع ستم و دفاع از آزادی و میهن ایفا کرده‌اند حائز اهمیت است. پژوهش حاضر، افزون بر بازنمایی تأثیر و میزان نقش‌آفرینی این بانوی نویسنده، موجب تقویت بنیان‌های معرفتی نسبت به کارکرد و رسالت‌مندی زنان در حوزه ادبیات پایداری می‌شود و نوعی ارج‌گذاری پژوهشی بر کار آنان نیز هست. از طریق ژرف‌پژوهی و نگرش به همه سطوح جامعه، به‌ویژه نیمی از جامعه که زنان‌اند، متوجه نمایه‌های عینی و متناظر شخصیت‌های رمان در فضای ذهنی، زمانی و مکانی داستان خواهیم شد که این مهم نیز از ضروریات این پژوهش و حائز اهمیت ویژه است.

۲- بحث

۲-۱- شرح حال سیمین دانشور

دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ برابر با آوریل ۱۹۲۱ در خانواده شیرازی «پزشک محمدعلی دانشور و نقاش قمرالسلطنه حکمت» دختری به دنیا آمد که سیمینش نام نهادند. او بعدها در ادبیات داستانی به جایگاهی رسید که مروارید سیاه و بانوی زرین ادبیات نام یافت. او با مجموعه داستان‌های «آتش خاموش» (اردیبهشت ۱۳۲۷)، «شهری چون بهشت» (دی ۱۳۴۰)، «به کی سلام کنم؟» (خرداد ۱۳۵۹)، «از پرنده‌های مهاجر پیرس» (۱۳۷۶) و رمان‌های «سووشون»

(تیر ۱۳۴۸)، «جزیره سرگردانی» (۱۳۷۲) و «ساربان سرگردان» (۱۳۸۰)، در ادبیات داستانی ایران جایگاه بلندآوازه‌ای یافت.

داستان‌نویسی را با مجموعه داستان «آتش خاموش» بر پایه‌های نو و کهن استوار کرد؛ اما این پیوستار نه تنها حوزه ادبیات داستانی که خود نویسنده را نیز قانع نکرد. او برای کمال‌یابی در فنون نوین داستان‌نویسی به آمریکا رفت و به طور مستقیم از استاد غربی و غیرمستقیم از استادان شرقی‌اش بهره جست و نخستین بانوی داستان‌نویس حرفه‌ای ایران و نامدارترین آنان شد و قله‌سر به فلک کشیده قابلیت‌هایش را در رمان «سووشون» نمایان ساخت.

سیمین دانشور رسالت‌مند و آگاهانه، به ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، میهن‌پرستی، تعهد و همدردی با ستمدیدگان و ایستادگی در برابر ستمگران پرداخته و کوشیده‌است تا در حد وسع و خویش‌کاری، جامعه را با وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود برای درک مفاهیم عزت‌خواهانه، حرکت به سوی آزادی، نفی استبداد، نفی بیگانه، مطالبه حقوق ملی از حکام و ضرورت کاربرد شدن احترام به حقوق فردی-اجتماعی و در نهایت، تغییر دنیای خویش آگاه کند. این موضوع در بیشتر آثار وی - ویژه‌تر- در رمان سووشون نمایان است. در این مقاله، پس از ارائه خلاصه داستان و توضیحی مختصر درباره عناصر کهن‌الگویی و ادبیات پایداری، به بررسی و تحلیل داده‌های موضوع می‌پردازیم.

۲-۲- تعریف مفاهیم و اصطلاحات کهن‌الگویی

۲-۲-۱- کهن‌الگو / سنخ باستانی (Archetype): محتوای ناخودآگاه قومی که المثنای

روانشناسی غریزه است.

۲-۲-۲- آنیما (Anima): جنبه زنانه ناخودآگاه مرد.

۲-۲-۳- آنیموس (Animus): جنبه مردانه ناخودآگاه زن.

۲-۲-۴- من (Ego): مرکز ذهن خودآگاه شخصی؛ خاطرات، آرزوها، هیجانانگیز و ... واپس زده و ادراکات پایین تر از سطح خودآگاهی که ماهیت و طبیعت شخصی دارند.

۲-۲-۵- خود (Selfi): مرکز تمامیت «من» و ناخودآگاه، ترکیب خودآگاهی و ناخودآگاهی.

۲-۲-۶- سایه (Shadow): جنبه ناخودآگاه «طبیعی» موجود انسانی.

۲-۲-۷- فردی (Individual): تمامیت منظم و مرتب شخصیت.

۲-۲-۸- فردیت (Individuation): فرایندی برای «فرد» شدن.

۲-۲-۹- ناخودآگاه شخصی (Personal unconscious): خاطرات، آرزوها، هیجانانگیز و ... واپس زده و ادراکات پایین تر از سطح خودآگاهی که ماهیت و طبیعت شخصی دارند.

۲-۲-۱۰- نقاب (Persona): پدیده‌ای قومی و رویه‌ای از شخصیت است که می‌تواند کاملاً به شخص دیگری نیز تعلق داشته باشد؛ لیکن غالباً با تشخیص آن به عنوان چیزی فردی و شخصی اشتباه می‌شود یا رویه شخصیت که متوجه جهان خارج است و به واسطه آن ارتباط شخص با محیط فراهم می‌شود (فورد هام، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۹۷).

۲-۳- ادبیات پایداری

ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند؛ بنابراین، جان‌مایه این آثار بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵).

ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازند (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰).

۲-۴- خلاصه داستان

رمان «سووشون» بازه زمانی جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ شمسی) را دربرمی‌گیرد؛ سال‌هایی که انگلیس در فارس نیرو پیاده کرده و در اثر جنگ ناخواسته، قحطی و بیماری پدید آمده‌است. حاکم، دست‌نشانده اشغالگران است و خان‌ها و تاجران با فروش آذوقه مردم به بیگانه، قحطی ایجاد کرده‌اند. یوسف، خان روشنفکر و متکی به ارزش‌های بومی، حاضر نیست با فروش آذوقه به بیگانگان بر وسعت قحطی بیفزاید. برخورد تحقیرآمیز او در مراسم عروسی (که خشم انگلیسی‌ها را بر می‌انگیزد)، در معرفی منش‌های او اهمیت اساسی دارد؛ اما زری، مسالمت‌جویانه می‌کوشد او را آرام کند.

پس از معرفی شخصیت‌های فرعی، در فصل چهارم با ورود دو خان قشقایی به خانه یوسف، داستان به سوی نقطه اوج حرکت می‌کند. این دو خان (ملک‌رستم و ملک‌سهراب) برای خرید آذوقه نزد یوسف آمده‌اند تا با فروش آن به انگلیسی‌ها اسلحه بخرند و با ارتش بجنگند؛ اما یوسف نمی‌پذیرد و برعکس آنان، خواهان رویارویی با بیگانگان و گشودن انبارها به روی مردم قحطی‌زده است. ملک‌رستم و ملک‌سهراب با سلاح‌های انگلیسی شورش به پا می‌کنند و زمینه برای اقدامات بعدی بیگانگان آماده می‌شود. در تنگاتنگی مبارزه، زری (همسر یوسف) حقانیت یوسف را برای ایستادگی درک می‌کند. او در خواب‌های خود یوسف را سیاوشی دیگر می‌بیند و سرانجام، روزی جسد یوسف را می‌آورند. آخرین فصل رمان توصیف تشییع جنازه

یوسف است که به تظاهرات مردم علیه حکومت می‌انجامد. یوسف را نیز شبانه به خاک می‌سپارند (آتش سودا، ۱۳۷۷: ۲۸۷ و ۲۸۸).

۲-۵- رویکرد به ادبیات پایداری در پیش‌درآمد رمان

سیمین دانشور، در نامگذاری رمان (سووشون)، هم در تقدیم‌نامه (به یاد دوست که جلال زندگیم بود و در سوگش به سووشون نشسته‌ام) و هم در فضاسازی و بیتی آغازگرانه (شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود/ شرمی از مظلّمه خون سیاوشش باد - حافظ)، روزنه‌ای درخشان به ادبیات پایداری می‌گشاید.

پیش‌آغاز رمان، طنطنه‌ای «موجز» از سوگی موسّع دارد. فضای آکنده از سوگ، سراغی مغموم از مظلّمه خون سیاوش گرفتن، درگیری و نمایه‌هایی که پیامدهای واقعه‌ای هولناک را به ذهن متبادر می‌کنند؛ آن هم در فضاسازی و پیش‌درآمد، ذهن خواننده را متوجه می‌سازد که عناصر پایداری چون مظلومیت و ستم‌دیدگی، ستمگری‌های طاقت‌سوز و ضرورت مبارزه برای رهایی در نهاد این داستان نهفته‌است.

نام‌های یوسف، سیاوش، رستم و زری که با زهرا قرینه‌سازی شده و گریزهای پیاپی به واقعه کربلا، هر کدام نمایه‌ای از یک کهن‌الگو و سنخ باستانی امتدادیافته در ذهن باستان‌گرای امروزین ما را بر درگاه داستان می‌نشانند و کاربست آنها برای نجات از چنبره مظلّم با ادبیات پایداری ربطی وثیق دارد.

داستان با عقدکنان دختر حاکم آغاز می‌گردد و بی‌درنگ، «نان» - که قوت لایموت جامعه است - «واژه کانونی» برای طرح موضوع می‌شود؛ «آن روز، روز عقدکنان دختر حاکم بود. نانوایان با هم شور کرده بودند و نان سنگکی پخته بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچ‌کس ندیده بود. خانم زهرا و یوسف خان هم نان را از نزدیک دیدند. یوسف تا چشمش به نان افتاد

گفت: گوساله‌ها چطور دست میرغضبشان را می‌بوسند! چه نعمتی حرام شده و آن هم در چه موقعی...» (دانشور، ۱۳۹۵: ۵).

سپس زری را برای تبیین قحطی و ضرورت پرهیز از تحمیل تنگنا به قحطی‌زدگان، با یوسف هم‌داستان می‌کند؛ آن هم با کلیدواژه اندیشیدن؛ در واقع، داستان‌پرداز با این کلیدواژه پیش از تبیین مظالم و موضوع مبارزه، بر تأمل و جایگاه و بایستگی اندیشه و اندیشگی تکیه و تأکید دارد تا چیستی و چرایی ضرورت پایداری در برابر ستم‌پیشگان را برجسته‌سازد؛ «زری می‌اندیشد: در چه تنوری آن را پخته‌اند؟ چانه‌اش را به چه بزرگی برداشته‌اند؟ چقدر آرد خالص مصرف کرده‌اند؟ و آن هم به قول یوسف در موقعی که می‌شد با همین یک نان یک خانوار را یک شب سیر کرد، در موقعی که نان خریدن از دکان‌های نانوایی کار رستم دستان بود» (همان: ۵-۶).

۲-۶- واکوی نقاب در رمان

در سووشون، شخصیت‌های منفی همه نقاب دارند. در خلال داستان، نقاب از چهره برخی از آنها برداشته می‌شود. برجسته‌ترین این شخصیت‌ها، یک انگلیسی به نام «زینگر» با ظاهری فن‌سالار و توسعه‌گراست. او برای فریب جامعه، نیل به اهداف و دلپذیر کردن وجهه خویش، سال‌ها خود را زیر نقاب تکنسین و مأمور فروش چرخ خیاطی پنهان کرده‌است. جنگ و اشغال ایران که پیش می‌آید، سرجنت زینگر با ظاهر شدن در نقش واقعی خود (یک افسر جنگجو) مأموریت اصلی‌اش را آشکار می‌سازد. دانشور با بهره‌گیری از ویژگی‌های توصیف و برجسته‌سازی در ادبیات پایداری برای تبیین حقایق، به مقایسه لایه‌های پنهان شخصیت‌ها با خود واقعی آنها می‌پردازد، شنیده‌ها و دیده‌های زری را کنار هم می‌نهد و پای اندیشیدن را به میان می‌آورد تا از چندچهرگی‌های اشغالگران نقاب بردارد.

جنگ که شد زری شنید که مستر زینگر یک شبه لباس افسری پوشیده، یراق و ستاره زده و حالا می‌دید و این لباس واقعاً به او می‌آمد.

اندیشید خیلی طاقت می‌خواهد که آدم هفده سال به دروغ زندگی کند؛ کارش دروغی، لباسش دروغی و سر تا پایش دروغ باشد و در کار دروغی خود چقدر هم مهارت داشت (همان: ۶-۷).

در نقطه مقابل سرجنت زینگر، یک ایرلندی به نام مک‌ماهون قرار دارد. او خبرنگاری جنگی است؛ بی‌نقاب که بر خلاف زینگر، در تعارضات و تضادهای میان نیکی و بدی به هم‌نهاد تازه رسیده و خویشتن و کلیت انسانی‌اش به سمت خوبی رشد یافته‌است. او درد یوسف را دارد و در پایان داستان هموست که «تولد دوباره قهرمان» را یادآوری می‌کند.

۲-۷- پیر خردمند (راهنمای مبارزه)

نقش راهنما و پیر خردمند در خلال داستان، نقشی سیال است و بر یک تن متمرکز نیست؛ گاه یوسف برای زری این نقش را ایفا می‌کند تا او را از چند و چون و اثرات و مظالمی که دژخیمان غاصب، اشغالگران قحطی‌زای انگلیسی رقم می‌زنند، آگاه کند و ضرورت‌های ایستادگی و مقابله با آنان را تشریح کند و گاه این نقش به زری واگذار می‌شود و می‌کوشد که یوسف را مجاب کند که گلیم خود را از آب بکشد و خانه خود را نجات بدهد. دانشور اما با ظرافت خاص در لایه‌های رمزی و معنایی رمان، خانه را برابر با کل مملکت می‌گیرد و در فراگرد داستان، نقش راهنما و پیر دانا را به دکتر عبدالله‌خان و یک سروش واگذار می‌کند و زری را در کوران مبارزه نگه می‌دارد تا بر اساس سنخ‌های باستانی، انسان نیازمند به یک نیروی ماوراءالطبیعه را آن هم در بحرانی سخت از تردید در تصمیم‌گیری برهاند. او متأثر از آموزه‌های یونگ، در خواب‌ها و احوالات حاصل از مراقبه و مکاشفه‌های زری، به پیر دانا

مجال ایفای نقش می‌دهد و قهرمان نوظهور (زری) را با مددیایی از کهن‌الگوی خواب و الهام، برای تداوم راه خود و گام‌نهادن در مسیر حق‌خواهی و مبارزه مصمم‌نگه می‌دارد.

۲-۸- فرایند فردانیت یوسف و زری در مسیر مبارزه

یوسف از همان آغاز، شخصیت تحول‌یافته و غالب بر «نقاب، سایه و آنیما» دارد؛ فقط در مواجهه با مظلومان، ستمدیدگان، قحطی‌زدگان و روستاییان گرفتار در تب تیفوس به آنیمایش که با جنبه‌های مهربانانه و عاطفی زری در هم آمیخته‌است، مجال بروز و ظهور می‌دهد. او قهرمانی با حالت‌های روحی ثابت و ایستاست.

اما زری در آغاز رگه‌های تحول‌خواهی دارد. به پدیدارهای پیرامونی رویکردی تحول‌خواهانه دارد؛ اما در چنبره تردید گرفتار است. آرام‌آرام فردیتش به سوی کمال، خودآگاهی تکامل‌پذیر و نیل به «خود حقیقی» سیر می‌کند. مظلومیت جامعه، فلاکت و آسیب‌پذیری زنان و کودکان، تضییع حقوق اجتماعی و شهروندی آنان را در شرایط قحطی و مظالم طاقت‌سوز و بیماری‌ها را با گوشت و پوست و استخوان لمس می‌کند و شاهد حقانیت یوسف برای مبارزه و تنهایی و مظلومیت او در جامعه ناآگاه و تسلیم‌شده است.

زری در کشاکش داستان و در جدال با نقاب، سایه و در فراگرد اعتنا به جنبه‌های کمال‌آفرین و «آنیموس یوسف‌وار خویش» به فرایند فردانیت می‌رسد؛ سپس متأثر از فردانیت کمال‌یافته، از خودگذشتگی و بذل‌جان و تزریق خون به کالبد مبارزه را به رسمیت شناخته و آن را یک ضرورت می‌داند و «من حقیقی خود» را برای برافراشتگی پرچم مبارزه تا سقف یک قهرمان بزرگ ارتقا می‌دهد.

۲-۹- قهرمان

۲-۹-۱- آفرینش قهرمان

یوسف، نماد و قهرمان ظلم ستیزی است که به هیچ روی، با بیگانگان و ظالمان سر سازش ندارد. او سربازان و افسران خارجی را دشمن می‌پندارد و از اینکه مردم کورکورانه از آنها تبعیت می‌کنند، سخت بیزار است. او از وضعیت موجود که موجب قحطی و بیماری شده، دل‌آزرده می‌شود و هوشمندانه به تلاش‌های فراوانی دست می‌زند تا شاید از رنج مردم بکاهد. اوضاع نامناسبی که زنان را وادار به کارهای خلاف عرف می‌کند، او را غمگین می‌سازد و می‌خواهد از غارت قوت لایموت دهاتی‌ها جلوگیری کند و تا بذل جان، در برابر نقشه‌ها و دسیسه‌های سرجنت زینگر و حکامی که دست‌نشانده‌اش شده‌اند، می‌ایستد.

«آقا با دست خودش مهر و موم انبارها را شکسته و بنشن و خرما و آرد میان دهاتی‌ها تقسیم

کرد» (همان: ۲۴۸).

زینگر و حکام وابسته به اجانب، برای کاهش دامنه تأثیر اقدامات دلیرانه یوسف، به ژاندارمری متوسل می‌شوند و به اتهام آذوقه‌رسانی به گردنکشان، برایش پرونده و پاپوش می‌سازند؛ اما یوسف چون کوه، محکم و استوار می‌ایستد و سخت کوشانه و به‌مثابه یک قهرمان فداکار به رفتار بی‌رحمانه انگلیسی‌ها و سربازان هندی که عمال آنها هستند، می‌تازد و می‌خواهد مانع شود که خواروبار و آذوقه مردم به دست ارتش انگلیس بیفتد و ضمن دعوت مردم به مبارزه، هیچ استثنایی برای رویارویی با بیگانگان قائل نمی‌شود.

داستان، یک بازه زمانی خطیر را با دو رویداد تلخ دربرمی‌گیرد؛ «اشغال میهن و استبداد داخلی». از این منظر می‌توان گفت سووشون رمانی واقع‌گراست که به سال‌های آخر حکومت پهلوی اول اشاره دارد، کشور اشغال شده‌است، رضاشاه همگام با قلع و قمع سیاسیون، به سرکوب خوانین می‌پردازد و خان‌ها بی‌توجه به منافع ملی و اشغال میهن، برای حفظ جایگاه فتودالیت خود با بیگانه مهاجم همکاری می‌کنند.

دانشور تهاجم بیگانه را بر نمی‌تابد؛ نه زورگویی‌های رضاشاه با خان‌ها و ملاکین را و نه سرسپردگی و همداستانی این خان‌ها و مالکین با اشغالگران را. او سه ضلع واقعه را معیوب می‌داند؛ اما از اشرافیت روستایی به کلی دل نکنده است. او کانون توجه را بر ضلع چهارم که بدنه اجتماعی است، می‌گذارد؛ ولی قهرمانانش را از لایه‌های اشرافیت تحصیلکرده روستایی- عشایری ساکن در شهر برمی‌گزیند. در چنین وضعیتی، یوسف و زری را با ویژگی‌های کهن‌الگویی برای قهرمان‌شدن خلق می‌کند.

در رمان سووشون، ابتدا مستعدترین شخص برای قهرمان‌شدن یوسف است؛ اما موانع متعددی بر سر راه اوست؛ سایه‌ای چون خان کاکا دارد و با سدّ تعدیل‌کننده‌ای چون زری نیز روبه‌روست. اولی بر آن است تا او را به همکاری به قشون بیگانه و حکام سرسپرده ترغیب کند و دومی یوسف را به ملاحظه زن و فرزند و خان‌ومان فرامی‌خواند؛ اما یوسف در فرایند داستان و فرایند فردانیت، در سایه خویش نمی‌ماند و از همان آغاز داستان مصمم است تا در مسیر تعالی به تحول کامل برسد. رنج یک میهن اشغال‌شده را که اجانب با زر و زور، تطمیع حکام و ملاکین و تهدید فرودستان به خاک سیاه نشانده‌اند، بر نمی‌تابد و حتی آنیمای او (توصیه‌های زری) به مدارا و سازگاری مجابش نمی‌کند؛ از همین رو، برای مبارزه استوارتر گام بر می‌دارد و روح بیدار مردم سرکوب‌شده می‌گردد؛ شجاع و بیداردل. آنچه در درون وی راه نمی‌یابد، ترس از مبارزه است. او رسالت ایستادگی و پایداری در برابر بیدادگری اشغالگران را رسالتی همگانی می‌داند و خود البته، بر پایه همین باورداشت و رسالت نجات‌بخشی تا پای جان ایستادگی می‌کند.

یوسف پس از آن همه شجاعت، پای‌مردی و مبارزه مستقیم و بی‌امان و آشکار؛ در حالی که دشمن شجاعت رویارویی مسقیم با وی را ندارد، مظلومانه به تیر یک ناشناس کشته می‌شود. ستمگری‌های دژخیمان پس از قتل یوسف و در چگونگی تحویل جنازه و ممانعت از آیین‌های متعارف غسل، تشییع و تدفین نیز اعمال می‌شود. دانشور در این صحنه‌پردازی‌ها، هم

به توصیف شقاوت ظالمان و هم به مظلومیت مقتول و خانواده وی و هم به تبیین ترس اشقیا از پسامرگی قهرمان و گردهم آیی مردم توجه دارد. او در بگومگویی تنظیم اطلاعاتی ترجمیم، برشی از تاریخ معاصر و واقعه دردناک ۲۸ مرداد را به اطلاع عموم می‌رساند: «و صدای خان کاکا: آدم و کیل شهر باشد و نتواند ختم برادرش را در مسجد و کیل بگیرد ... خوب بنویس ... پسان فردا چه روزی می‌شود؟ و صدای خسرو: سی و یکم مرداد و صدای خان کاکا: بنویس به مناسبت درگذشت جوان ناکام و صدای عمه: درگذشت؟ بنویس شهادت ...» (همان: ۲۶۰).

در واقع، دانشور در یک قرینه‌سازی دیگر، یوسف را با دکتر محمد مصدق که نماد مبارزه دولتمردان با انگلیس و آمریکا و سرنگون شده از سوی آنان است، همانند می‌نماید. او در یکی از گفت‌وگوهایش با هوشنگ گلشیری یادآوری می‌کند که همسرش مرحوم جلال آل احمد، در همان خوانش نخست به این معما پی‌برد: «من بیست و نهم مرداد یوسف را کشتم؛ در حالی که مقصودم ۲۸ مرداد سقوط مصدق بوده ... این را فقط جلال فهمید و گفت عوضش کن» (بر ساحل جزیره سرگردانی، ۱۳۸۳: ۹۶۶).

«در سووشون، یوسف یک قهرمان یا یک مصدق محلی است که آذوقه (نفت) به ارتش بیگانه نمی‌فروشد و مثل مصدق، یک‌دنده و سراسر است و صریح است و کشته می‌شود؛ آن هم در بیست و نهم مرداد یک روز پس از کودتای بیست و هشت مرداد» (همان).

دانشور، روشنفکری سیاستمند و مبارزی لطیف در حوزه ادب پایداری است. خود بر این نکته تصریح دارد: «از نظر سیاسی هر دو [من و جلال آل احمد] اعتقاد به مبارزه داشتیم و اینکه بنده و برده دستگاه حاکم نشویم. منتها جلال فعال بود و من نبودم» (همان: ۱۰۰۳).

او بنا دارد چونان واقعه کربلا از شکست ظاهری، پیروزی بسازد؛ با استفاده از نمادهای کهن‌الگویی باستانی ملی و مذهبی، و قرینه‌سازی «مظلومیت واقعه کربلا با مظلومیت نهفته در قتل یوسف» و با بهره‌گیری از مظلومیت سیاوش، دست به مشابهت‌سازی می‌زند: «کسی گفت

یا حسین و جمعیت با صدای کشداری فریاد برآورد یا حسین! زری به تلخی اندیشید: «یا انگار کن سووشون است و سوگ سیاوش را گرفته‌ایم» (همان: ۲۹۸).

۲-۹-۲- باز تولید قهرمان

دانشور در بخش پایانی رمان، آنگاه که یوسف قهرمان را به مثابه قدیسان و چونان حضرت یوسف، امام حسین (ع) و سیاوش بر پایه‌های پاکی روح، رسالت و فهم مقدس مبارزه با ستم و اشغال به کمال پرورنده و روح جامعه را برای تداوم مبارزه، پایداری و ایستادگی در برابر زورگویان و بیگانگان تهییج کرده‌است، به قربانگاه می‌برد.

او پس از مرگ شهادت‌گونه یوسف، از ذهن منجی‌طلب و قهرمان‌خواه، بیداری و یک تحول نو می‌آفریند. زری را که در خلال مبارزات یوسف، گاه مانع و گاه همراه بود، با قلم مسحورکننده و ذهن سعادت‌خواه، ققنوس‌وار از خاکستر آتشی که میهن رنج کشیده‌اش در آن سوخته‌است، متحول می‌کند و بر می‌کشد.

زری که تا نیمه راه سعی می‌کرد یوسف را به مدارا بکشاند، اینک، پس از کشته شدن یوسف، در قامت یک قهرمان سر برمی‌آورد: «زری گفت: اما من پشیمان نیستم ... به قول یوسف، نباید شهری خالی از مرد باشد» (همان: ۳۰۳).

۲-۱۰- تولد دوباره برای ساختن پیروزی از شکست ظاهری

از نظر یونگ، مرگ و تولد دوباره الگوهای باستانی دارد. در ایران، یکی از الگوهای بارز باستانی آن، گذار سیاوش از آتش و زنده بیرون آمدن از آن، مرگ مظلومانه به دستور افراسیاب و رویش گیاه فر سیاوشان از خون اوست.

«در شاهنامه رویدن گیاه فر سیاوشان یا خون اسیاوشان از محل ریختن خون سیاوش بر زمین، نمادی از تولد دوباره این شخصیت اسطوره‌ای است» (آتش سودا، ۱۳۸۸: ۲۹۰).

دانشور از رسوخ یک باور و ذهنیت مشترک هند و ایرانی کمک می‌گیرد و متناسب با باور خویش، این اعتقاد را که از طریق جغرافیای انسانی آریاییان با جغرافیای سرزمینی این مردم پیوند خورده و در شعر مک‌ماهون متجلی است، به‌عنوان شاهد مثال می‌آورد تا به مدد «تولد دوباره» در کالبد جامعه شکست‌خورده و میرا جان تازه بریزد.

«ای ایرلند! ای سرزمین نواده‌های آریایی! من شعری برای یک درخت که در خاک تو باید بروید، گفته‌ام. نام این درخت، درخت استقلال است. این درخت را باید با خون آبیاری کرد، نه با آب؛ با آب خشک می‌شود. بله یوسف، تو درست گفتی. اگر استقلال برای من خوب است، برای تو هم خوب است...» (دانشور، ۱۳۹۵: ۱۴).

یوسف سووشون، از لحاظ انتقال حافظه تاریخی به ذهن و ضمیر جامعه عصر پیدایش این داستان، از یک سو، نماد یوسف پیامبر است؛ زیرا در یک قحطی آشکارا و رسالت‌مانده عرض اندام می‌کند، سلامت نفس دارد و مثل یوسف نبی برای رساندن نان به همگان، به عدل و داد عمل می‌کند؛ از سوی دیگر، نماد سیاوش است با خوی مصلح و بی‌گناه به مظلومه‌ای گرفتار. قهرمانی پاک‌نهاد است، حضور زنی به نام سودابه در داستان، برای ایجاد قرینه‌سازی یوسف و سیاوش است.

دانشور از ریخته‌شدن خون یوسف، در تشابهی آشکار با ریزش خون سیاوش در دشت بی‌کسی، داستان را به سمت کهن‌الگوی تولد پیش‌می‌برد. در پایان داستان، از این خون ریخته‌شده بر زمین، ذرات شرفی را که در آن است، می‌آفریند.

یوسف و زری هر دو از فرجام سخت مبارزه، نوعی پیش‌آگاهی ذهنی دارند؛ خطاب یوسف به فرزندش خسرو و خواب‌ها و واگویه‌های زری، یادآور همین پیش‌آگاهی است. تولد کیخسرو، استقلال میهن، گسترش عدل و داد و دفع هر نوع بند و ستم و بندگی را در پی دارد، وجود خسرو یوسف نیز، چنین پیامی را به ذهن خواننده می‌رساند: «پسرم اگر من نتوانستم، تو خواهی توانست. از تخم چشمم عزیزتری» (همان: ۱۷).

و زری در خواب می‌بیند که: «درخت عجیبی در باغشان روئیده و غلام با آب‌پاش کوچکی دارد، خون پای درخت می‌ریزد» (همان: ۲۵۲).

«زری می‌دانست که می‌خواهند نعل شوه‌رش را در حوض باغ بشویند. می‌دانست همین شبانه زیر آب حوض را خواهند کشید و آب حوض را به باغچه‌ها هدایت خواهند کرد و آبی که جسد شوه‌رش را شسته و خون‌های خشک را پاک کرده، درخت‌ها را آبیاری خواهد کرد» (همان: ۲۴۷ و ۲۲۸).

خالق رمان سووشون، با استفاده از نمادهای زاینده، مانند درخت و گل، و فرآوری کهن‌الگوهای مربوط به میلاد، بر «تولد دیگر قهرمانان تکیه و تأکید دارد؛ همین دگرمیلادها، برجسته‌ترین کهن‌الگوی داستان، یعنی «تولد دوباره» را رقم می‌زند».

«گریه نکن خواهرم، در خانه‌ات درختی خواهد روئید و درخت‌هایی در شهرت و بسیار درخت در سرزمینت و باد، پیغام هر درختی را به درخت دیگر خواهد رسانید و درخت‌ها از باد خواهند پرسید: در راه که می‌آمدی، سحر را ندیدی؟» (همان: ۳۰۶).

نکته جالب این میلاد، تکیه بر لطافت‌ها و بهره‌گیری از کهن‌الگویی درخت، گل و سبزه و به طور کلی گیاه است؛ از همین منظر است که نگارنده، دانشور را چونان گاندی، مبارزی لطیف می‌داند و رمان سووشون را مظهر لطافت در اوج مبارزه؛ «بعضی آدم‌ها عین یک گل نایاب هستند، دیگران به جلوه‌شان حسد می‌برند. خیال می‌کنند این گل نایاب تمام نیروی زمین را می‌گیرد. تمام درخشش آفتاب و تری هوا را می‌بلعد و جا را برای آنها تنگ کرده، برای آنها آفتاب و اکسیژن باقی نگذاشته. به او حسد می‌برند و دل‌شان می‌خواهد وجود نداشته‌باشد. یا عین ما باش یا اصلاً نباش. شما تک و توکی گلی نایاب دارید و بعد خرزهره دارید که به درد ترسانیدن پشه‌ها می‌خورند و علف‌های نجیب که برای بره‌ها خوبند» (همان: ۱۴).

۲-۱۱- خواب

از منظر نقد کهن‌الگویی، خواب و رؤیا اهمیت ویژه‌ای دارند. خواب، پهناوری و ژرفای اقیانوس ذهن آدمی را در حوزه ناخودآگاه نمایش می‌دهد. زری در خواب و در میان خواب و بیداری، شیخ و فرامودی از آنچه را که قرار است رخ دهد، می‌بیند و درمی‌یابد که واقعه‌ای هولناک در شرف تکوین است. خواب‌های نگران‌کننده‌اش درباره‌ خود و یوسف، هم‌نمایه‌ای از دغدغه‌مندی برای آینده شوهر و مبارزه است و هم تعیین‌کننده مسیر مبارزه و هم مجالگاه تحوّل و پختگی خود وی در مسیر مبارزه.

اهریمن در خواب زری، اژدهای دو سر است با نمادهای بیگانگان و اشغالگران. زری خواب می‌بیند حاکم یوسف را در تنور انداخته. او در خواب‌هایش هم، امید به رهایی و تداوم مبارزه را پررنگ می‌کند؛ از تنور نانوائی که از نظر یوسف باید برای تأمین قوت مردم قحطی زده گرم باشد، یوسف جزغاله‌شده بیرون می‌آید؛ اما در این جزغاله‌شدن هم، امید به بقا و ایستادگی در برابر ظلم زنده می‌ماند و خواب و خیال‌های متعدد دیگر که از چشم‌انداز کهن‌الگویی حائز اهمیت‌اند و هر کدام ربطی وثیق با مبارزه برای رهایی دارند.

«زری در خواب می‌دید که لخت لخت در وسط یک میدان ناشناس ایستاده و هزارها مرد و زن دور میدان ایستاده‌اند و به او نگاه می‌کنند ... یک شب زری خواب دید که یک اژدهای دوسر شوهرش را همان‌طور که سوار مادیان بوده و به تاخت اسب می‌رانده، درسته با اسب بلعیده و خوب که نگاه کرده، دیده اژدهای دوسر، شبیه سرجنت زینگر بوده؛ تنبان چین‌دار اسکاتلندی پایش بوده و دورتا دور دامن را گلدوزی کرده بود» (همان: ۲۳۸).

چند شب بعد، باز خواب دید که حاکم یوسف را با دست خودش در تنور نانوائی انداخته، یوسف جزغاله‌شده، کورمال کورمال از تنور درآمده؛ یعنی امتحان خود را داده (همان).

و شب دیگر، دمدمه‌های صبح زری خواب دید که کلو با تیر و کمان قلوه سنگی، درست وسط پیشانی یوسف انداخته. این خواب را عمه اصلا تعبیر نکرد و گفت خواب دم صبح تعبیر ندارد (همان: ۲۳۹).

«زری خیال کرد خواب می‌بیند. این آخری‌ها همه‌اش خواب‌های آشفته دیده بود. این هم یک خواب آشفته دیگر ... خیال کرد خواب می‌بیند مردی را به زور روی تخت نشانده‌اند و دارند چکمه‌اش را با کارد می‌برند؛ اما زری صورت آن مرد را نمی‌بیند ... خواب می‌بیند ملکه رستم چکمه بریده را دست گرفته و داد می‌زند: «ای واویلا!» اندیشید: «اسم این جور از ته دل فریاد زدن چیست؟ صیحه؟ نعره؟ ویله؟ نه، یک اسم خوبی داشت که حالا یادم رفته. بعد خیال کرد خواب می‌بیند، مجید سرش را روی عبای یوسف که روی تخت افتاده بود گذاشته، هق‌هق می‌کند. شاید هم خواب نمی‌دید؛ چرا که چشم‌هایش باز باز بود» (همان: ۲۴۴).

۳- نتیجه‌گیری

از منظر تحلیل کهن‌الگویی و تطبیق سرنمون‌ها مشخص گردید:

جامعه عصر پیدایش رمان، به شکل هول‌آوری خصلت‌های مشترک چندچهرگی و نقاب داشت. قهرمان و ضدقهرمان را با هم در درون خود می‌پرورانده و شیوه‌مندی‌های گوناگون و چندلایه ضد کنشگری‌های رهایی‌بخش و علیه آزادی‌خواهان و استبدادستیزان را در کنار خود داشته‌است.

در عصر پیدایش رمان، تضادهای گسترده و موانعی که در هم‌راستایی با ستمگران، آزادی‌ستیزان و ناآزادی‌ها از بطن جامعه متولد می‌شود، پرشمار بود و با فعالیت‌های آزادی‌گش و عدالت‌پریش حاکمان و دشمنان خارجی، هم‌پوشانی و هم‌افزایی داشته و بخش عمده‌ای از به نتیجه نرسیدن کنشگری‌های یوسف و زری (قهرمانان داستان) وابسته به همین متغیرهاست.

با کاربست این نوع نقد، مشخص گردید اعمال فشار، تطمیع و تفرقه افکنی بیگانگان، نقاب‌ها و سایه‌های پررنگ و صورت‌بندی ساختار ضد اجتماعی حاکمیت و گروه‌های عمل‌گرای وابسته به آن؛ از جمله خوانین و ملاکین و شمار گسترده‌ای از کنش‌گران سودجو، رانت‌طلب سیاسی و اقتصادی، مانع پیوستن بدنه اجتماعی به جریان‌های رهایی‌بخش است. یوسف‌خان، «سایه‌ای چون خان‌کاکا و ضد قهرمانانی چون «حاکم فارس، ملک‌رستم و ملک‌سهراب» را روبه‌روی خود دارد که صرفاً به منافع خویش می‌اندیشند. عزت‌الدوله روبه‌روی زری ایستاده‌است و سرجنت زینگر، نقطه مقابل مک‌ماهون است. از میان قهرمانان کهن‌الگویی داستان سووشون، «یوسف» که از جنبه‌های اساطیری، قابلیت تطبیق با سیاوش و امام حسین (ع) دارد؛ نمایه‌ای از ناخودآگاه جمعی و رسوخ تجربه درازمدت ایرانیان در زمینه باورهای ملی- مذهبی است و متأثر از آموزه‌های دینی و ملی، در رسالت‌مندی تمام و پاکدامنی، راسخ و استوار تا شهادت پیش می‌رود و از فرایند شهادت‌گونگی و اوج مبارزه، خون در رگ‌های جامعه منفعل شده در برابر ستم و اشغال می‌ریزد.

نیاز به قهرمان (شخصیتی چون یوسف)، بازتولید قهرمان (شخصیتی چون زری) و نیاز به تولد دوباره (منجی)، نتیجه امتداد یک سنخ باستانی است و در فراگرد انتقال ناخودآگاه جمعی به فضای داستان آورده شد. کارکرد این بازتولید در زمره علایق انتقال‌یافته باستان برای ایجاد امید و تزریق آن به کالبد مایوس از رهایی جامعه هدف بود.

بسامد کاربست نمادینه‌های کهن‌الگویی درخت، سبزه، گل و آب در رمان، حکایت از پی‌جویی پر دامنه به جهت یافتن یک آرامه و تکیه‌گاه، برای ذهن مشوش جامعه آن عصر دارد. ستمگری بی‌کرانه، روپنداری مظالم و انواع ستمی که از سوی فرادستان بر فرودستان و جامعه منفعل اعمال شده، جبهه دوقطبی ظالم و مظلوم را پدید آورده بود. ستم‌دیدگان و آگاهان به ستم و رهایی‌خواهان، حتی در حالت اشغال میهن، از جانب جبهه خودی هیچ کمکی دریافت نمی‌کنند. این حالت، همراه با میل به نامیرایی و ذهن جاودانه‌گرا، روح یوسف را در

روان زری حلول داده و تا مرحله قهرمان تحوّل یافته افزایش منزلت می‌دهد؛ در واقع این وضعیت، بیانگر فهم عمیق خواسته‌های مردم و ذهنیات دانشور و بخش قابل توجهی از روشنفکران هم‌عصر وی برای مبارزه با نابرابری است.

«سیاوش، یوسف، امام حسین و رستم» نمونه‌های آنیموسی روان سیمین دانشورند. او آنها را در پهنه‌بندی حالات زری و در خلال داستان نمایان ساخته‌است تا گستره بی‌کرانی از مظالم و ضرورت‌های مبارزاتی را برای رهایی از وضع موجود، بسط و گسترش دهد.

جهان‌بینی دانشور متأثر از ناخودآگاه جمعی و فردیت و فردانیت اوست. متناقض‌نمایی‌ای که در چگونگی پردازش ماهیت زن در داستان سووشون است نیز، متأثر از همین حالات اوست. او از یک سو رویکرد، پردازش و اهتمام نوشتاری نیرومندی به بایستگی‌های احیای حقوق زن، به رسمیت شناختن حقوق زنان و تلاش برای کسب آزادی‌های آنان دارد و از دیگر سوی، برخی قید و بندهای آئینی و آداب و سنت را که متأثر از فضای ایدئولوژیک ذهنی خود و جامعه و تأثیرپذیری از همسرش جلال آل احمد است، مراعات می‌کند.

رخ‌نمون این پدیدار و این نوع خوانش و این صورت‌بندی از «زن مدرن»، متأثر از «من» بهره‌گرفته از فضای مدرنیته و «خود» سامان‌یافته از سنت و سایر کهن‌الگوها از جمله کهن‌الگوی باورمند به «منجی» است؛ از همین روست که زری را تا مرحله قهرمان تراز نخست، ارتقای منزلت می‌دهد؛ اما در این برکشیدن هم، احیای حقوق زن را در ضرورت رعایت برخی قالب‌ها و چارچوب‌ها مدنظر دارد؛ در واقع زری در رمان سووشون، نماینده زنان مبارز در حوزه ادبیات پایداری و قائم به برخی مقومات ذهنی جامعه است.

دانشور پس از مرگ قهرمان، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دیگر جامعه را برای نیل به هدف که رستگاری از مظالم است، باز تعریف و بازآفرینی می‌کند و در فرجام، زری، دیگر قهرمان این رمان را که در فرایند فردانیت به کمال رشد شخصیتی ممتاز رسیده تا سطح قهرمان واقعی، ارتقای نقش رهبری می‌دهد. تغییر الگوی مبارزه از پرچمداری مردانه به پرچمداری زنانه، به

تنهایی می‌تواند راهبری و سهم دانشور را در الگوی فرماندهی واحد زن آشکار سازد؛ زیرا دانشور می‌توانست این نقش را با رویکرد به «بک تحوّل خُرّاسا» به خان کاکا یا ملک سهراب و ملک‌رستم یا مردی دیگر واگذار کند.

از طریق نقد کهن‌الگویی مشخص گردید، رخ‌نمون قرینه‌های نهفته در «زایش مادیان، رویدن درخت از خون و ... جایگزینی گل‌های زرد و سرخ و اهتمام به سبزه، گل، گیاه و رویش» آن هم در نظامی منطقی و دامنه‌دار، ملهم از انتقال تجربه اجتماعی و خودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی برای رویش ققنوس‌وار ایران از خاکستر حوادث است و همین ضرورت، فضا را برای تولد دوباره که برجسته‌ترین کهن‌الگوی رمان است، فراهم می‌کند؛ در واقع، نویسنده با بهره‌گیری فراوان از قرینه‌های کهن‌الگویی نظیر زایش و تولد نشان داده که برجسته‌ترین کهن‌الگوی آن «تولد دوباره» است. دانشور در جهت‌مندی به کهن‌الگوهای امیدزا و در همه حالات، جامعه ایرانی را سرزنده و مستقل و پر نشاط و ایران را نامیرا و بالنده می‌خواهد. یافته‌های تحقیق بر مبنای تحلیل کهن‌الگویی مشخص کرده‌است که دانشور، درک درون‌فهمی از اوضاع سیاسی و اجتماعی داشته و با رویکرد متنی به ادبیات پایداری، کوشیده است تا فهم و توانمندی‌های جامعه را برای ایستادگی جهت آزادی و آزادگی ایرانیان و ارجمندی ایران و رستگاری تقویت نماید.

فهرست منابع

- آتش سودا، محمدعلی. (۱۳۸۸). **داستان امشب**. تهران: آسیم.
- دانشور، سیمین. (۱۳۹۵). **سووشون**. چاپ ۲۱. تهران: خوارزمی.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۳). **بر ساحل جزیره سرگردانی**. تهران: چاوشگران نقش.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). «**ادبیات پایداری**». مجله شعر. زمستان، ش ۳۹.
- شکری، غالی. (۱۳۶۶). **ادب مقاومت**. گردآوری و ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
- فورد هام، فریدا. (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ**. ترجمه مسعود میربهاء. تهران: جامی.
- مورنو، انتونیو. (۱۳۹۳). **یونگ، خدایان و انسان مدرن**. ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: مرکز.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۲). **انسان و سمبول‌هایش**. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۳). **روانشناسی و شرق**. ترجمه دکتر لطیف صدقیانی. تهران: جامی.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۶۸). **چهار صورت مثالی؛ مادر، ولادت مجدد، روح، مکار**. ترجمه پروین فرامرزی. تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس.